

شکر گزاری از منظر قرآن

اکرم تقی فارغ^۱

چکیده

یکی از مواردی که جزء اصول اخلاقی می‌باشد اصل قدردانی است که انسان نسبت به نعمت را با نعمت دهنده بداند، خوشحالی از شمول نعمت عقل و عمل به مقتضای این شادمانی است. خداوند در قرآن، پس از ذکر نعمتهای پروردگار، مردم را به شکرگزاری دعوت می‌کند. شکرگزاری چند گونه است گاهی با لفظی که با سپاسگزاری زبانی تحقق می‌یابد و گاهی عملی است که با به کار بردن هر نعمت در راهی که برای آن آفریده شده است، محقق می‌شود سپاسگزاری و ایمان جزء موانع محسوب می‌شود. راه دوری از عذاب الهی داشتن ایمان و روحیه سپاسگزاری است. تشکر و قدردانی حتی به افرادی که به هرنحوی با ما در ارتباطند نیز ختم می‌گردد که در راستای شکرگزاری از حضرت حق تعالی است که خود موجب آرامش بخشی برای خود و دیگران به شمار می‌رود، محقق بر آن است تا با روش توصیفی-تبیینی به بررسی موضوع شکرگزاری در قرآن در دو حیطه مراتب شکرگزاری مانند: شکر به زبان و شکر به اعضاء و جوارح. و ثمرات شکرگزاری مانند: افزایش نعمت، پاداش الهی، مانع عذاب، متصف به صفات الهی، خواهد پرداخت.

کلید واژه‌ها: شکر گزاری، منظر قرآن، ثمرات شکرگزاری، مراتب شکرگزاری.

^۱ طلبه سطح ۲ حوزه الزهراء گلدشت.

مقدمه

زنده کردن حس شکرگزاری و قدردانی در مردم در برابر نعمتهای خدا تنها برای این است که طبق فرمان فطرت در برابر بخشنده نعمت، خضوع کنند، او را بشناسند و فرمانش را به جان و دل بپذیرند و به این وسیله هدایت و تربیت شوند، نه اینکه شکرگزاری کمترین اثری در مقام با عظمت پروردگار داشته باشد، بلکه اثر آن همانند آثار همه عبادتها و فرمانهای او عاید خود انسان می‌شود. هدف از تحقیق حاضر این است که بتوان کمکی به همگان برای شناسایی هر چه بیشتر قرآن، این اقیانوس بیکران بنماید و تا همگان بتوانند با الهام از تعلیمات زنده و عمیق آن، گامی در راه نجات مسلمانان بردارد و در جامعه‌ای که ناسپاسی و ناشکری رو به ازدیاد است و نعمات الهی نادیده گرفته می‌شود، یادآوری شکرگزاری خداوند امری ضروری است تا انسان از مسیر بندگی و اطلاعات خداوند خارج نشود. لذا محقق بر آن است تا حقیقت شکرگزاری را برای مخاطبان خود بیان نماید.

در پیشینه این تحقیق و با سرچ اینترنتی نتایج زیر حاصل گردید: مقاله «شکرگزاری در قرآن» نوشته زهرا نساجی زواره، منتشر شده در مجله پاسدار اسلام مهر ماه ۱۳۸۳ در این مقاله به بررسی زوایای مختلف شکر اعم از شکر از دیدگاه معصومین، سجده شکر، شکر در قرآن، مراتب شکر، درجات شکر پرداخته شده است. مقاله «شکرگزاری در قرآن و روایات» نوشته مریم نیسی، ۱۳۹۹، این پژوهش توصیفی و با اطلاعات اولیه‌ی تحقیق به روش کتابخانه‌ای گردآوری گردید. هدف اصلی واکاوی و بررسی مفهوم و معنای شکرگزاری در قرآن و روایات است. و مقاله «شکرگزاری در قرآن کریم» نوشته زهرا حصاری، نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در قرآن، شکرگزاری به عنوان یکی از مهمترین عوامل برای دستیابی به سعادت و خوشبختی مطرح شده است. در بسیاری از آیات قرآن، از انسان ها خواسته شده است که به نعمتهای خداوند شکرگزاری کنند، چرا که این عمل باعث توسعه و رشد اخلاقی و روحی فرد می شود.

در مقالات فوق به بررسی مفهومی شکر و همچنین در مقاله آخر آن به بررسی شکر و تاثیر آن در میان دانش آموزان پرداخته است اما مقاله مد نظر محقق تنها به بررسی مراتب و ثمرات شکرگزاری پرداخته خواهد شد.

۱- مراتب شکرگزاری

انسان باید بداند که چگونه از نعمات الهی شکرگزاری کند تا بتواند حق آن نعمت را ادا کند و به نحو نیکو از آن بهره ببرد، لازمه شکرگزاری علم و آگاهی از نعمت دهنده و نسبت آن به نعمت است وقتی انسان منعم را شناخت، به آسانی اقدام به شکر می کند. برای شکرگزاری مراتبی در آیات و روایات بیان شده که در ادامه به از آنها اشاره خواهد شد:

۱-۱- شکر قلبی

در این مرتبه از شکرگزاری فرد از قلب و فکر خود در برابر نعمات الهی او را سپاسگزاری می کند. اگر انسان در قلب خود، خود را مدیون خداوند بداند و نسبت به او طلبکارانه برخورد نکند، و بداند هر چه دارد از اوست و با تمام وجود خود به صورت قلبی بدان توجه کند نخستین مرحله شکرگزاری را انجام داده است.^۱ و امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ أُنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَهَا»^۲ «هر کس نعمت خدا داده را با دل بشناسد، شکرش را ادا کرده است.»

انسان بهره مند از نعمات الهی اگر نعمت را به تنهایی و بدون انتساب به نعمت دهنده ببیند از شادمانی به گرداب سرکشی می افتد چرا که با وجود نعمت اسباب عشق و برخورداری از دنیا را مهیا می بیند.

اما اگر فراتر از نعمت را بنگرد و دست نعمت دهنده را نیز ببیند و نسبت بین آن دو را از نظر دور ندارد، از شادمانی به تواضع خشوع و فروتنی در پیشگاه منعم دست می یابد در این حال انسان نعمت را از این جهت مطلوب می داند که وسیله ای برای نزدیکی به نعمت دهنده است. این حال، خود، یکی از مراتب بالای شکر است که به وسیله قلب ادا می شود.^۳

در معنای شکر هم آمده انسان از نعمتی که نعمت دهنده وی را بشناسد و اینکه بداند مشمول نعمت اوست شادمان شود، لذا این شناخت و شادمانی از شئون قلب است و این شکر قلبی است که به زبان و اعضاء و جوارح او منتقل شده و به عمل در می آید.^۴

^۱ میرباقری، قرآن و خانواده، ص ۲۱.

^۲ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۹۶.

^۳ جباران، درسنامه علم اخلاق، ج ۲، ص ۲۲۶.

^۴ همان، ص ۲۲۷.

عقل و قلب یکی از بزرگترین نعمت‌های الهی است که وجودش شایسته شکر و سپاس است؛ ولی همین نعمت با کوچک‌ترین بیماری که بر م‌شاعر از سان عارض شود مختل می‌شود؛ چنانکه از سان و سیله خنده و بازیچه دیگران می‌شود. بنابراین لازم است از سان به خاطر نعمت عقل و قلب خود خداوند را در درون خود شاکر باشد.

۲-۱- شکر به زبان

یکی از م‌صادیق شکر، شکر زبانی است. خداوند در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ أَشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ»^۲ «پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم، و به من شکرگزار باشید و کفران نورزید.» یادآوری نعمات الهی در زبان هم باید صورت گیرد و شکر خداوند به جای آورده شود. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «تَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الرَّجُلِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۳ «شکر کامل این است که انسان بگوید: سپاس خدایی را که پروردگار جهان هاست.» انسان پس از شکر قلبی لازم است آن را به زبان جاری کند، زیرا نفس به زنان آوردن بسیار مهم است. در آیات و روایات بر اذکاری همچون: «الحمد لله» و «شکر لله» بسیار تاکید شده. مثلاً سفارش شده سر بر سجده بگذارید و سه بار هر یک از این اذکار را تکرار کنید. این شکر زبانی که باید به زیان انسان در برابر منعم جاری شود.^۴ زیرا با این اذکار هر حمدی که از سوی انسان صادر شود در واقع حمد و شکر خداوند است. در روایت دیگری از ایدشان آمده است: «إِنِّي لَأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ فَلَا يُظْهِرُهَا»^۵ «من خوش ندارم که کسی نعمتی از خدا داشته باشد و آن را اظهار نکند.» پس به زبان آوردن نعمات الهی و یادآوری کردن آنها و شکرگزاری از خداوند به صورت زبانی بسیار مهم و قابل اهمیت است.

^۱ جباران، درسنامه علم اخلاق، ج ۲، ص ۱۳۴.

^۲ بقره، آیه ۱۵۲

^۳ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۹۶.

^۴ میرباقری، قرآن و خانواده، ص ۲۱.

^۵ کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۳۹.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «تَمَامُ الشُّكْرِ اعْتِرَافُ لِسَانِ السَّرِّ خَاضِعاً لِلَّهِ تَعَالَى بِالْعَجْزِ عَنْ بُلُوغِ أَدْنَى شُكْرِهِ لِأَنَّ التَّوْفِيقَ لِلشُّكْرِ نِعْمَةٌ حَادِثَةٌ يَجِبُ الشُّكْرُ عَلَيْهَا»^۱ «حقیقت شکر عبارت است از اعتراف زبانِ باطن در حالی که احساسِ خضوع و یژه ای در پیشگاه خدا داشته و به عجز خود از ادای کمترین مرتبه شکر اعتراف کرده باشد؛ زیرا شکر و توفیقِ سپاسگزاری، نعمتی است که نیاز به شکری دیگر داد.»

۳-۱- شکر به عمل

حقیقت شکر تنها تشکر زبانی یا گفتن «الحمد لله» و مانند آن نیست، بلکه شکر دارای سه مرحله است نخستین مرحله آن است که به دقت بیندیشیم که بخشنده نعمت کیست؟ این توجه و ایمان و آگاهی پایه اول شکر است، و از آن که بگذریم مرحله زبان فرا می‌رسد، ولی از آن بالاتر مرحله عمل است، شکر عملی آن است که درست بیندیشیم که هر نعمتی برای چه هدفی به ما داده شده است آن را در مورد خودش صرف کنیم که اگر نکنیم کفران نعمت کرده‌ایم.

شکرگزاری برای این بوده که عظمت او را در این جهان ببینیم، راه زندگی را بشناسیم و با این وسائل در مسیر تکامل گام برداریم. حق را درک کنیم و از آن دفاع نمائیم و با باطل بجنگیم، اگر این نعمتهای بزرگ خدا را در این مسیرها مصرف کردیم، شکر عملی او است، و اگر وسیله‌ای شد برای طغیان و خودپرستی و غرور و غفلت و بیگانگی و دوری از خدا این عین کفران است.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَدْنَى الشُّكْرِ رُؤْيَا النِّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ يَتَعَلَّقُ الْقَلْبُ بِهَا دُونَ اللَّهِ وَالرِّضَا بِمَا أَعْطَاهُ، وَأَنْ لَا تَعْصِيَهُ بِنِعْمَتِهِ وَتُخَالِفَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ بِسَبَبِ نِعْمَتِهِ»^۳ «کمترین سپاسگزاری، این است که انسان نعمت را [مستقیماً] از خدا بداند و جز او علتی برای آن نداند و نیز به آنچه خداوند عطایش کرده، خرسند باشد و با نعمت او مرتکب گناه وی نشود یا نعمت او را در راه مخالفت با هیچ یک از اوامر و نواهی خدا به کار نگیرد.»

^۱ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۵۲.

^۲ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۷۹.

^۳ امام جعفر صادق، مصباح الشریعه، ص ۵۳.

۲-۳- مانع عذاب

هر فردی در معرض ابتلا و عذاب و بلا قرار می‌گیرد و بر اساس آیات قرآن شکرگذاری از راه‌های در امان ماندن از این عذاب هاست: « مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا »^۱ « خدا چه نیازی به مجازات شما دارد اگر شکرگزاری کنید و ایمان آورید؟ خدا شکرگزار و آگاه است. اعمال و نیات شما را می‌داند، و به اعمال نیک، پاداش نیک می‌دهد.»

با توجه به اینکه حقیقت شکر به کار بردن هر نعمتی است در راهی که برای آن آفریده شده، روشن می‌شود که منظور از جمله بالا این است: اگر شما ایمان و عمل صالحی داشته باشید و مواهب الهی را در مورد شایسته به کار گیرید و از آن سوء استفاده نکنید، بدون شک کمترین مجازاتی دامن شما را نخواهد گرفت.

در آیه فوق موضوع «شکرگزاری» مقدم بر «ایمان» داشته شده است و این به خاطر آن است که تا انسان نعمتها و مواهب او را نشناسد و به مقام شکرگزاری نرسد، نمیتواند خود او را بشناسد چه اینکه نعمتهای او وسیله‌ای هستند برای شناسایی- در کتب عقائد اسلامی نیز در بحث لزوم شناسایی خدا (وجوب معرفه الله) جمعی از محققان از طریق «وجوب شکر منعم» استدلال می‌کنند و مساله وجوب فطری شکرگزاری را در برابر «نعمت بخش» طریقی برای لزوم شناسایی او قرار می‌دهند.^۲

انسان اگر بداند خداوند چه نعمت‌های عظیمی برای او آفریده که حتی قارد به شکرگزاری از آنان نیست دست از این ناسپاسی و کفران نعمت می‌کشید، خداوند در قرآن به این نکته اشاره نموده می‌فرماید: «وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْهَا»^۳ «و اگر نعمتهای خدا را بشمارید هرگز نمی‌توانید آن را احصا کنید.»

سر تا پای وجود شما غرق نعمتهای او است، در هر نفس که فرو می‌رود و بر می‌آید نه تنها دو نعمت که هزاران نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب، هر دقیقه‌ای که از عمر ما می‌گذرد حیات و سلامت ما مدیون فعالیت میلیونها موجود زنده در درون بدنمان و میلیونها موجود جاندار و بی‌جان در بیرون بدنمان است که بدون فعالیت آنها ادامه حیات حتی یک لحظه ممکن نیست.

^۱ نساء، آیه ۱۴۷.

^۲ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۸۳.

^۳ نحل (۱۶)، آیه ۱۸.

اصولا ما از وجود همه نعمتها، آگاه نیستیم و هر قدر دامنه علم و دانش بشری گسترده‌تر می‌شود فقهای تازه‌ای از این نعمتها بر ما گشوده خواهد شد، افق‌هایی که کرانه‌های آنها هم چنان ناپیدا است، آیا با این حال قدرت احصای نعمتهای خدا را داریم؟

ولی اینها همه مانع از آن نیست که ما به مقدار توانایی به احصای نعمتهایش بپردازیم، چرا که این توجه هم درجه معرفت و جهان بینی و جهان‌شناسی توحید ما را بالا می‌برد و هم شعله عشق خدا را در اعماق قلب ما فروزانتر می‌کند، و هم حس شکرگزاری را در ما تحریک می‌نماید. به همین دلیل پیشوایان و بزرگان دین در سخنان خود و حتی در دعاها و مناجات‌هایشان به شمردن گوشه‌ای از نعمتهای بی‌پایانش می‌پرداختند تا درسی باشد برای دیگران.^۱

ایمان به خداوند، بارزترین جلوه‌ی شکرگزاری است. شکر، هم مایه‌ی نجات از قهر، هم سبب دریافت لطف بیشتر است. اگر شما شکر کنید، خداوند هم نسبت به شما شاکر است.^۲

۲-۴- متصف به صفات الهی

شکرگزاری از صفات خداوند است که هر فردی که خدا را سپاس گوید شبیه خداوند خواهد شد و این از دیگر آثار شکرگزاری است که خداوند بدان اشاره نموده است: «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ»^۳ «اگر به خدا قرض‌الحسنه دهید، آن را برای شما مضاعف می‌سازد و شما را می‌بخشد؛ و خداوند شکرکننده و بردبار است!» ثواب و پاداش دهنده بر شکر و سپاس است.^۴

تعبیر به «شکور» که یکی از اوصاف خدا است، دلیل بر این است که خداوند از بندگان به وسیله پاداشهای عظیم تشکر می‌کند، و «حلیم» بودن او اشاره به مساله آمرزش گناهان، و عدم تعجیل در عقوبت بندگان است.^۵

^۱ ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۱۸۷.

^۲ قرآنی، تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۹۶.

^۳ تغابن، آیه ۱۷.

^۴ طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۲۵، ص ۷۹.

^۵ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۱۲.

انسان با قرض دادن به دیگران و اغماض و چشم‌پوشی، از خطای دیگران متصف به اوصاف الهی مانند؛ شکرگزاری، عفو و رحمت می‌شود.^۱ به این ترتیب، شکرگزاری در قرآن، چراغ راهی برای رسیدن به زندگی‌ای معنادار، غنی و پربار معرفی می‌گردد که در آن انسان با شناخت و قدردانی از همه جنبه‌های وجودی خود، به سوی کمال و تعالی گام برمی‌دارد. هر قدمی که انسان با اراده و اختیار خود برای شکرگزاری برمی‌دارد، نعمتی است که خداوند خود به وی اعطا نموده است. همین عزم بر شکرگزاری خود دلیلی برای شکر نمودن خداوند است. زیرا این نعمت شکر هم مانند سایر نعمات الهی از ویژگی‌های خداوند است که انسانی که شکر خدا را به جا می‌آورد خود را به صفات الهی نزدیک می‌سازد.^۲

امام صادق علیه السلام در روایتی انسان شاکر را به دور از ضرر و زیان دانسته و او در حریم امن الهی قرار داده است: «ثَلَاثٌ لَا يَضُرُّ مَعَهُنَّ شَيْءٌ: الدُّعَاءُ عِنْدَ الْكَرْبِ، وَ الْاِسْتِغْفَارُ عِنْدَ الذَّنْبِ، وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النُّعْمَةِ»^۳ «سه کار است که با انجام دادن آنها، زبانی به انسان نمی‌رسد: دعا کردن در هنگام گرفتاری، آمرزش خواهی [از خدا] در هنگام مبتلا شدن به گناه، و شکرگزاری در هنگام بهره‌مندی از نعمت.»

^۱ ثقفی تهرانی، تفسیر روان جاوید، ج ۵، ص ۲۱۷.

^۲ جباران، درسنامه علم اخلاق، ج ۲، ص ۲۲۹.

^۳ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۹۹.

نتیجه گیری

شکر دانستن نسبت میان نعمت و نعمت دهنده، سرور و خوشحالی از شمول نعمت عقل و عمل به مقتضای این شادمانی است. خداوند در قرآن، پس از ذکر نعمتهای پروردگار، مردم را به شکرگزاری دعوت می‌کند، و ناسپاسی آنها را نکوهش می‌نماید. مراتب شکرگزاری در سه رکن صورت می‌گیرد؛ شکر قلبی که پس از آن به زبان و شکر به اعضاء و جوارح، باید منتهی شود. شکرگزاری گاهی با لفظی که با سپاسگزاری زبانی تحقق می‌یابد و گاهی عملی است که با به کاربردن هر نعمت در راهی که برای آن آفریده شده است، محقق می‌شود. راه دوری از عذاب الهی داشتن ایمان و روحیه سپاسگزاری است. تشکر و قدردانی حتی به افرادی که به هرنحوی با ما در ارتباطاند نیز ختم می‌گردد که در راستای شکرگزاری از حضرت حق تعالی است که خود موجب آرامش بخشی برای خود و دیگران به شمار می‌رود. شکرگزاری ثمراتی در پی دارد که در آیات قرآن بدان اشاره شده که عبارتند از: افزایش نعمت، پاداش الهی، مانع عذاب، متصف به صفات الهی شدن، که شامل حال انسان شاکر خواهد شد.

فهرست منابع

- *قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- * نهج البلاغه، ترجمه مرحوم محمد دشتی.
۱. امام جعفر صادق، **مصباح الشریعه**، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۰ ه.ق.
 ۲. ثقفی تهرانی، محمد، **تفسیر روان جاوید**، ج ۵، تهران: چاپ سوم، انتشارات برهان، ۱۳۹۸ ق.
 ۳. جباران، محمد رضا، **درسنامه علم اخلاق**، ج ۲، انتشارات سنابل، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ه.ش.
 ۴. حرعاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، ج ۴، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
 ۵. طباطبایی، محمدحسین، **ترجمه تفسیر المیزان**، ج ۴، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ ۵، ۱۳۷۴ ه.ش.
 ۶. طبرسی، فضل بن حسن، **ترجمه تفسیر مجمع البیان**، ج ۲۵، فراهانی، تهران، چاپ اول، بی تا.
 ۷. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، ج ۲، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸ ه.ش.
 ۸. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، ج ۴، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ه.ق.
 ۹. مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، ج ۶۸، موسسه الوفا، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه.ق.
 ۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، ج ۲۴، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دهم، ۱۳۷۱ ه.ش.
 ۱۱. میرباقری، محسن، **قرآن و خانواده**، <https://hawzah.net>.